

نوشته‌ی زیر را یکی از خوانندگان بامدادی به نام شبنم برای من فرستاده که عیناً (با قدری ویرایش) منتشر می‌کنم. در مورد نوشته‌ی زیر ذکر چند نکته را لازم می‌دانم:

(۱) مطالب نوشته شده در این متن لزوماً مورد توافق من نیست، و وبگاه بامدادی صرفاً بستری جهت انتشار آن می‌باشد. (۲) من تمام لینک‌ها، روابط، ترجمه‌ها و اسناد موجود در متن را شخصاً بررسی و راست‌آزمایی نکرده‌ام، اما فکر می‌کنم موضوع کلی‌ای که در آن مطرح شده است بسیار مهم است (ساده بگیرم، ایجاد زمینه‌سازی برای تکرار سناریوی عراق، لیبی، سوریه یا تلفیقی از آن‌ها یا چیزی شبیه به آن‌ها در ایران) و تلاش مولف برای گردآوری مطالب و کنار هم قرار دادن آن‌ها را قبل توجه می‌بینم و در نتیجه (۳) موقع خواندن این نوشته سعی کنید به پیام اصلی آن و ادله‌ی ارائه شده توجه کنید و اجازه ندهید برخی اطلاعات موجود در آن که شاید با شناختی که از وقایع دارید سازگار نیستند (حالا یا واقعاً سازگار نیستند یا دست کم در لحظه‌ی اول سازگار نیستند) شما را از اصل موضوع منحرف کند. این را نوشتم، چون شاهد بوده‌ام که چند هفته برای نوشتن این مطلب وقت صرف شده و خود من هم چندین ساعت روی ویرایش آن وقت گذاشته‌ام. امیدوارم مورد توجه شما قرار بگیرد. (این مقاله را به صورت PDF دانلود کنید)

در همین رابطه می‌توانید مطلب «[دادگاه اسل دوم یا پرونده‌ای جدید علیه ایران؟](#)» را که قبلاً در بامدادی منتشر شده است ببینید.

نکاتی چند پیرامون دست اندرکاران تریبونال ایران

آقای پیام اخوان سال‌هاست برای تغییر رژیم در ایران با گروه‌های مختلف از جمله لابی اسرائیل همکاری دارد. برای این منظور، ایشان با کمک افرادی نظیر ایروین کوتلر، وزیر دادگستری قبلی کانادا که در حال حاضر عضو پارلمان کبک (Quebec) است، بیانیه‌های تحریک‌آمیز برای اهریمن‌سازی و منزوی کردن ایران در راستای محکومیت این کشور به جرم "خطر علیه صلح جهانی" را امضاء و تأیید کرده است. بیانیه‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ تحت عنوان "خطر هسته‌ای، قوم‌کشی و نقض حقوق در ایران: پذیرش مسئولیت برای جلوگیری از خطر" از این نوع بود

The Danger of Nuclear, Genocidal and Rights-violating Iran: The responsibility to Prevent Petition

برای دیدن کامل گزارش ۲۰۱۰ و "نقشه‌ی راه" لینک زیر را کلیک کنید.

<http://irwincotler.liberal.ca/responsibility-to-prevent-petition>

جروسلم‌پست در تاریخ بیست و هفتم جولای ۲۰۱۰ نوشت:

ایروین کوتلر (Erwin Cotler) برای وضع تحریم‌های بیشتر علیه ایران فعالیت می‌کند. برای همین نیت ایشان با آقای بان کی مون دبیر کل سازمان ملل و رهبران دولت و پارلمان آمریکا، آلمان، اتریش، اسرائیل و چند کشور دیگر ملاقات کرد و از آنان خواست قدم‌های موثرتری علیه ایران بردارند.

امضاء کنندگان این بیانیه ایروین کوتلر، فواد عجمی، سعدالدین ابراهیم، نازنین افشین جم، پیام اخوان، عباس میلانی، الی ویزل، لادن برومند، آلن دورشوویتز، رامین جهانگل و تعدادی از نوکان‌های جنگ طلب هستند.

http://genocidepreventionnow.org/Portals/o/docs/2010-R2P_IRAN_EXEC_SUMM.pdf

جروسلم‌پست در همین مقاله، تحریم‌های پیشنهاد شده در "نقشه‌ی راه" را فهرست می‌کند:

<http://www.jpost.com/JerusalemReport/Article.aspx?id=182766>

- جلوگیری از واردات بنزین و فراوده‌های نفتی تصفیه شده به ایران
- تحریم بانک مرکزی ایران

- تحریم کالاهایی که استفاده‌ی دو جانبه دارد [حتمن کتاب فیزیک و میکروبی شناسی هم جزو آن می‌شوند!]
- جلوگیری از ورود اشیاء حساس
- تحریم‌های "هوشمندانه" علیه پلداران، که حدود ۸۰ درصد از تجارت خارجی، ساختمانی، بانکی و ارتباطات را کنترل می‌کند. ایروین کوتلر پاسداران را "منشاء خطرها" معرفی کرد.
- تحریم فروش سلاح به ایران و تعلیق کامل برنامه‌ی موشکی ایران.
- ندادن اجازه‌ی لنگرگیری به کشتی‌های ایرانی و هواپیماها برای فرود آمدن در کشورهای مختلف

کشورها موظفند این تحریم‌ها را به طور کامل اجرا کنند و برای اطمینان از اجرای این حکم باید تجارت خود را شفاف‌سازی کنند. لطفن "نقشه‌ی راه" را در لینک زیر مشاهده کنید.

<http://irwincotler.liberal.ca/files/2010/05/18-Point-Road-Map-for-Action.pdf>

ایروین کوتلر از سخنان و پیشنهادات افرادی نظیر آقایان و خانم‌ها پیام اخوان، لادن برومند، رامین جهاننگلو، عباس میلانی، نازنین افشین جم و شیرین عبادی که به عنوان شاهد در جلسات مختلف پارلمان کانادا شرکت داشتند، برای تهیه‌ی گزارش ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ کمک گرفته است. پیام اخوان در این جلسات با معرفی خود به عنوان شهروند کانادایی، پیشنهاداتی برای تحریم بیشتر ایران به این کمیته تقدیم کرد که در "نقشه‌ی راه" ۲۰۱۰ گنجانده شده است. او در پارلمان کانادا گفت:

به عنوان یک کانادایی، مفتخرم که می‌بینم اعضاء پارلمان برای یک هدف مشترک کار می‌کنند. من به این کمیته برای گزارش خوب و پیشنهادات آن که در سال ۲۰۱۰ منتشر شد تبریک می‌گویم.

<http://www.parl.gc.ca/HousePublications/Publication.aspx?DocId=4972831>

آقای هوارد گالگانوف (Howard Galganov)، ایروین کوتلر را این‌گونه معرفی می‌کند: "کسی که بدون هیچ شرمساری از اسرائیل حمایت و دفاع می‌کند."

"A totally unabashed defender and supporter of Israel"

در ضمن ایروین کوتلر همراه با آلن دورشوویتز و الی ویزل، سازمان تروریستی مجاهدین را که با موساد و سازمان سیا همکاری دارد حمایت می‌کنند. آقای کوتلر با وجود قدرت سیاسی و اقتصادی یهودیان در کانادا، آمریکا و دیگر کشورهای غربی هنوز از وجود "آنتی سمیتیزم" [ضدیت با مردمان سامی که در ادبیات صهیونیستی معمولاً به عنوان ضدیت با قوم یهود به کار برده می‌شود] در این جوامع شکایت دارد. بر مبنای همین اصل، کوتلر علاوه بر عضویت در پارلمان کانادا، سمت هیات اجرایی ائتلاف پارلمانی کارزار "آنتی سمیتیزم" را هم بر عهده دارد.

http://www.sourcewatch.org/index.php?title=Irwin_Cotler

در جشنی که به مناسبت امضای لایحه‌ی "آنتی سمیتیزم" برپا شده بود، کوتلر طی سخنرانی خود جملات زیر را بیان داشت:

بالاخره ما شاهد ظهور دوباره‌ی تهمت‌های کلاسیک به یهودیان هستیم که "آنتی سمیتیزم" نام دارد، مانند تهمت کنترل اقتصاد توسط یهودیان، تهمت توطئه، تهمت نسبت دادن پروتوکال به یهودیان، تهمت نفی هولوکوست، تهمت مقایسه اعمال یهودیان با نازی‌ها و حتی تهمت هولوکاست فلسطینی‌ها توسط یهودیان.

با نگاهی به این جملات افراد متوجه می‌شوند که چرا این شخص شیفته‌وار در راستای دیگرگون‌سازی واقعیت و به نوعی سانسور عقاید و آزادی بیان در کانادا و غرب به نفع اسرائیل آبرتاید فعال است. او سخنان آقای احمدی نژاد علیه صهیونیزم را به "قوم کشی یهود" تقلیل می‌دهد که علیه رئیس جمهور و دولت ایران جنجال به راه اندازد و از دولت کانادا و کنگره‌ی آمریکا می‌خواهد که ایشان را به این جرم محکوم کنند.

<http://irwincotler.liberal.ca/media/irwin-cotler-delivers-remarks-at-signing-of-ottawa-protocol-on-combating-antisemitism>

متأسفانه، آقای پیام اخوان دادستان ارشد تریبونال ایران با او در این مورد همکاری دارد و با امضاء بیانیه‌های تحریک‌آمیز تحت عنوان "ایران هسته‌ای و قوم کش"، به اهریمن‌سازی از ایران کمک می‌رساند.

آقای ایروین کوتلر در بیست و سوم سپتامبر ۲۰۰۸ در کنفرانس لابی اسرائیل تحت عنوان "با دولتی که قوم کشی را تحریک می‌کند چه باید کرد؟" در واشینگتن دی سی شرکت کرد. ایشان در این کنفرانس دوباره از "خطر" ایران سخن گفت و به ایران هراسی پرداخت. این کنفرانس با حمایت "مرکز جروسلم برای روابط عمومی"، "کنفرانس سران سازمان‌های یهودی"، "جامعه‌ی بین‌المللی پژوهش‌گران دربره‌ی قوم کشی" و دانشگاه پیل بخش آنتی‌سمیترم – که کوتلر به آن علاقه دارد برپا شده بود.

آقای فینکل اشتاین روشنفکر یهودی ضد صهیونیسم و نویسنده‌ی کتاب معروف "دکان هولوکوست"، ایروین کوتلر امضاء کننده این بیانیه را "دیوانه" (Lunatic) خواند.

<http://www.normanfinkelstein.com/methodical-expose-of-lunatic-irwin-cotler>

آقای کیم پیترسون سردبیر نشریه‌ی اینترنتی دسیدنت ویس (dissentvoice) در مورد ایروین کوتلر نوشت:

"کوتلر عضو پارلمان کبک کانادا در تاریخ بیست و هفتم فوریه ۲۰۱۱ در کنیسه‌ی یهودیان در کوت سنت لوک (Beth Zion Synagogue in Cote St. Luc) سخنرانی کرد و از دولت کانادا خواست هرچه زودتر علیه خطر ایران اقدام کند."

او گفت: "لازم است خطر هسته‌ای، خطر تحریک به قوم کشی، خطر تروریسم و خطر رژیم علیه مردم را تبلیغ کنیم. کوتلر این تبلیغات را برای شکل دادن به اذهان عمومی مردم کانادا بیان کرد." در پایان سخنرانی، فیلم تبلیغاتی "ایران‌یوم" به نمایش در آمد. فیلم "ایران‌یوم" برای تحریک مردم غرب به ایران ستیزی توسط "صندوق کلاریون" ساخته شد. صندوق کلاریون توسط یک فیلم ساز اسرائیلی – کانادایی در سال ۲۰۰۶ تأسیس شد که پروپاگاندای صهیونیست‌ها، آیش هاتورات (Aish HaTorah)، که با اسرائیلی‌های شهرک نشین در رابطه‌اند را پوشش رسانه‌ای دهد.

http://www.sourcewatch.org/index.php?title=Raphael_Shore

این فیلم بر مبنای "بمب اتم خیالی" خطر ایران هسته‌ای به منظور اهریمن‌سازی ایران را به تصویر می‌کشد. آقای علی قریب در مورد فیلم "ایران‌یوم" می‌نویسد: «فیلم یک ساعته مستند "ایران‌یوم"، بیش و کم به نئوکان‌ها و هم‌دستان آنان اجازه می‌دهد برای عملیات جنگ‌طلبانه علیه جمهوری اسلامی تبلیغ کنند.»

<http://www.lobelog.com/the-ideological-west-bank-setter-behind-iranium>

جالب است بدانیم که "فعالان حقوق بشر" نظیر آقایان پیام اخوان، جهانگل و خانم لادن برومند تاکنون هیچ اعتراضی به این فیلم تبلیغاتی برای هولوکست اتمی ایران نکرده‌اند. اما پیام اخوان، رامین جهانگل و سعید رهنما بشر به محض اطلاع از کنفرانس "بیداری معاصر و افکار امام خمینی" مورخ دوم ژوئن ۲۰۱۲ در دانشگاه کارلتون کنا‌دا، بیانیه‌ای علیه این کنفرانس امضا کردند و خواهان سانسور این کنفرانس شدند. رئیس دانشگاه کارلتون، خانم روزن اوریلی رونته (Roseann O'Reilly Runte)، در جواب آنان نوشت: «از نامه‌ی اخیر شما متشکرم. دانشگاه کارلتون مبتکر این کنفرانس نیست». سخنگوی دانشگاه هم اضافه کرد: «دانشگاه کارلتون میزبان برنامه‌های گوناگون است که بعضی از آنها ممکن است بحث‌انگیز باشد، اما این دانشگاه مانند دانشگاه‌های دیگر کانادا مشوق بحث و گفتگو است.»

باید توجه داشت که سخنرانی ایروین کوتلر در مورد "خطر ایران" تحت تأثیر گفته‌های شاهدان جلسات پارلمان قرار داشت. تبلیغات اهریمن‌سازی و ایران هراسی که بر دروغ استوار است می‌تواند جرمی بزرگ باشد و افراد دست‌اندر کار آن باید معرفی و مورد تعقیب قرار گیرند.

آقای کیم پیترسون شهروند کانادا پس از اطلاع از سخنرانی کوتلر با کمال تعجب از او می‌پرسد: «تهدید دولت به قوم کشی؟ اسرائیل بیش از ۶۰ سال مشغول قوم کشی مردم فلسطین است. کدام "خطر تروریسم" مد نظر آقای کوتلر است؟ تروریسم اصلی توسط موساد در ایران پیاده می‌شود. شما درباره‌ی ضرب و شتم علیه مردم ایران صحبت می‌کنید؟ آیا کشت و کشتار فلسطینی‌ها در زمین‌های اشغالی توسط پلیس و افراد نظامی اسرائیل را مد نظر دارید؟ شما به عنوان یک صهیونیست ایدئولوگ چگونه می‌توانید چنین حرف‌هایی را بر زبان بیاورید در حالی که این گفته‌ها زبینه‌ی اسرائیل است. اسرائیل سلاح هسته‌ای دارد در حالی که ایران را به "تلاش برای دست یافتن به سلاح هسته‌ای" متهم می‌کنند».

<http://dissidentvoice.org/2011/03/projecting-israels-crimes-onto-iran>

لازم به یادآوری است که شانزده سازمان اطلاعاتی ملی آمریکا در نوامبر ۲۰۰۷ به دنیا اعلام کردند که ایران برنامه‌ی سلاح هسته‌ای ندارد. این ارزیابی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ هم تکرار شد که همچنان بر قوت خود باقی است. افزون بر این، با وجود این‌که، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سازمان ملل، آقای آمانو، تحت فشار آمریکا و اسرائیل مجبور به تهیه‌ی گزارش تندتری شد، اما سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا همچنان بر این باورند که ایران به سوی ساخت سلاح اتمی پیش نرفته است.

آیا اپوزیسیون خارج نشین و خانواده‌های شهدای زندانیان سیاسی دهه‌ی ۱۳۶۰ می‌توانند از کسی که همراه با لابی اسرائیل در تحریک اذهان عمومی به "قوم کشی ایرانیان" فعالیت می‌کند بخواهند دادستان ارشد تریبونال ایران شود و "عدالت" را برای آنان به لرغان بیاورد؟ آیا پیام اخوان که در پیشنهاد تحریم‌های خانمان‌سوز علیه ملت ایران با صهیونیست ایدئولوگ - ایروین کوتلر - همکاری داشته است می‌تواند بی‌طرفانه حقایق را ببیند؟ آیا این خود مغرضانه نیست؟ لطفن بار دیگر به تیتر گزارش ۲۰۱۰ که به امضاء پیام اخوان، ایروین کوتلر، آلن دورشوویتزو الی ویزل، از لابی اسرائیل رسیده است توجه کنید:

«خطر هسته‌ای، قوم کشی و نقض حقوق در ایران: پذیرش مسئولیت برای جلوگیری از خطر»

آیا اپوزیسیون و خانواده‌های شهدا می‌توانند به کسی که برنامه‌ی هسته‌ای قانونی ایران را به سلاحی علیه ملت ایران تبدیل کرده است و آن را به "حقوق بشر" گره زده است ولی با بیش از ۱۰۰۰۰ بمب اتم آمریکا و اسرائیل کاری ندارد اعتماد کنند؟

کیم پیترسون خطاب به کوتلر می‌گوید:

"شما به عنوان یک وکیل می‌دانید که قیل از محکوم کردن افراد، آن‌ها باید بی‌گناه محسوب شوند. ایران "متهم" است می‌خواهد به سلاح هسته‌ای دست یابد، در حالی که اسرائیل دهه‌ها است که به غیرقانونی دست به ساخت سلاح هسته‌ای زده است و در زرادخانه‌ی خود انبار کرده است. [در ضمن] شما اشاره‌ای به این موضوع نکرده‌اید که ایران خواهان یک خاورمیانه‌ی تهی از سلاح هسته‌ای است."

گفته‌های آقای کیم پیترسون را باید واژه به واژه برای حقوق‌دانان در خدمت امپراتوری و حامیان سازمان تروریستی مجاهدین، ایروین کوتلر و پیام اخوان تکرار کرد، زیرا این اولین بار نیست که پیام اخوان برای کمک به اهداف امپراتوری از "اسناد" مشکوک استفاده می‌کند.

طی سالیان گذشته، به خصوص از اوایل سال ۲۰۰۷ به این طرف، جلساتی در پارلمان کانادا تشکیل شد که پیام اخوان، هاله برومند، نازنین افشین جم، رامین جهانبگلو، شیرین عبدای و عباس میلانی به عنوان شاهد در این جلسات شرکت کردند. در طی این جلسات، بحث‌هایی در زمینه‌ی حقوق بشر، تحریم ایران به منظور جا انداختن "ایران هسته‌ای و ناقض حقوق: تحریک به قوم کشی یهودیان و نابودی اسرائیل" با حضور افراد نامبرده در گرفت که حاصل آن گزارش ۲۰۰۸ و سپس ۲۰۱۰ بود که به امضا این افراد و نوکان‌های جنگ طلب رسید.

در نشست نخست سی و نهمین جلسه‌ی پارلمان کانادا، که در بیست و هفتم مارس ۲۰۰۷ تشکیل شد، آقای جیسون کنی (Jason Kenney) به عنوان گرداننده‌ی جلسه، با پیام اخوان و نازنین افشین جم به عنوان شاهد، و عده‌ای دیگر از شهروندان کانادا به بحث نشستند و این افراد پیشنهادات خود مبنی بر فشار بیشتر بر ایران از طریق "تحریم‌های هدفمند"، تحریم دیپلماتیک، تشویق دولت کانادا به حمایت مالی از ان‌جی‌اوها (NGO) در بین زنان، جوانان، کارگران ایران و ایرانیان در کانادا، حمایت از انقلاب مخملی در ایران، تشویق و تحریک ایرانیان به ترک کشور و مهاجرت به کانادا (افشین جم) و اتهام دروغین "تحریک به قوم کشی و نابودی اسرائیل" (پیام اخوان)، گره زدن برنامه‌ی هسته‌ای قانونی به "حقوق بشر" (پیام اخوان)، تلاش برای محکومیت ایران با جرم "جنایت علیه بشریت" (پیام اخوان)، راه‌اندازی کمیسیون‌های "حقیقت یاب" جهت جا انداختن ایران به عنوان "خطر علیه صلح جهان" (پیام اخوان) که دروغی بیش نیست، مورد بحث قرار گرفت.

طنز تلخ در این است که حقوق‌دانان امپراتوری نظیر پیام اخوان نتایج نظرسنجی‌های مختلفی که در نقاط مختلف جهان انجام شده است را به پیشیزی بها نمی‌دهند و آن‌ها را به بوته‌ی فراموشی می‌سپارند. برای اطلاع این حقوق‌دانان باید گفت که نظرسنجی‌های مختلف مردم جهان بارها نشان داده‌اند که آمریکا با داشتن محکومیت جنایت علیه بشریت و بیش از ۴۰ درصد از سلاح‌های کشتار جمعی جهان، تجاوز به کشورهای مختلف با دلایل دروغین، قتل عام میلیون‌ها نفر از شهروندان بی‌گناه، استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از جمله بمب اتم در ژاپن، استفاده از سلاح‌های ضدزره دارای اورانیوم رقیق شده (DU) در عراق، استفاده از تروریسم برای پیشبرد اهداف، برپایی بیش از ۹۰۰ پایگاه نظامی در کشورهای مختلف که بیشتر پایگاه‌ها در خاورمیانه ایران را محاصره کرده‌اند و جان ملت ایران را هدف قرار داده‌اند و اعمال شکنجه و تجاوز جنسی به شهروندان کشورهای اشغالی در پایگاه‌های نظامی، بدون شک بزرگترین خطر علیه صلح جهان است.

در نظر سنجی اکتبر ۲۰۰۳ مردم کشورهای اتحادیه‌ی اروپا از لیست ۱۵ کشور ارائه شده، اسرائیل با ۵۹ درصد به عنوان بزرگترین خطر علیه صلح جهان به دنیا معرفی شد. نظرسنجی بین‌المللی زاگی در سال ۲۰۱۰ نشان داد که ۸۰ درصد از مردم عرب، اسرائیل را بزرگترین خطر علیه صلح جهان می‌دانند. در همان نظرسنجی، ۷۷ درصد از مردم عرب از برنامه‌ی هسته‌ای ایران حمایت کردند.

<http://rehmat1.com/2011/03/09/pinning-israeli-crimes-on-iran>

افزون بر این، در نظرسنجی مرکز پیو (PEW) در واشینگتن سال ۲۰۰۶ با شرکت ۱۷۰۰۰ نفر، آمریکا خطرناکتر از ایران معرفی شد.

<http://www.guardian.co.uk/world/2006/jun/15/usa.iran>

با وجود این، حقوق‌دانان امپراتوری در صددند ایران را با کمک تریبونال ایران و "مرکز اسناد" که توسط سازمان سیا در نیویورک (New Haven) تأسیس شد به عنوان بزرگترین "خطر علیه صلح جهان" در دنیا جا بیاندازند تا به اهداف امپراتوری کمک برسانند. در نتیجه حقوق‌دانان کمیسوین "حقیقت یاب" با همکاری حقوق‌دانان دیگر این تریبونال، از جمله اریک دیوید، سعی دارند سازمان تروریستی مجاهدین را با محکوم کردن ایران در این تریبونال غسل دهند تا بتوانند چهره‌ی این سازمان را بزرگ کنند و برای تجاوز به ایران مورد بهره برداری قرار دهند. آیا خانواده‌های شهدا و اپوزیسیون همراه با امپریالیسم از وقایع ده سال اخیر هم بی اطلاع اند؟ آیا آنها از هشدار ژنرال ولزلی کلارک که گفت: «دولت آمریکا برنامه دارد در عرض ۵ سال هفت کشور، که ایران هم جزو آنست، را به زیر کشد و تجزیه کند» بی خبرند؟ یا خدای نکرده می‌خواهند در صف تجزیه طلبان جا بگیرند؟ حامیان تریبونال باید پاسخ بدهند.

آیا خون صدها هزار ایرانی و عراقی در جنگی که عراق با پشتیبانی غرب (و شرق) به رهبری آمریکا و حمایت مالی سران مرتجع دول عرب بر ایران تحمیل کردند و دست کم ۶۰۰۰۰۰ نفر را به کشتن دادند، کم رنگتر از خون عزیزان خانواده‌های شهدا حاضر در این تریبونال است؟ آیا خون دانشمندان ایرانی که توسط مهره‌های تروریست اسرائیل و با همکاری سازمان مجاهدین خلق ریخته شد و هواداران این سازمان امروز از سخنگویان اصلی این تریبونال غیر مردمی هستند کم به‌تر از خون عزیزان شهدای حاضر در این تریبونال است؟ سازمان مجاهدین خلق سال‌هاست با اسرائیل و نوکان‌های جنگ‌طلب همکاری دارد. مقالات متعددی درباره‌ی نقش موساد و سازمان مجاهدین در ترور دانشمندان ایرانی نوشته شده است. آقای اریک دیوید رئیس مرکز حقوق بین‌الملل دانشگاه بروکسل و یکی از حقوق‌دانان دست اندرکار تریبونال، در یک قضاوت حقوقی نظر داد که نام سازمان مجاهدین می‌تواند از لیست تروریستی خارج شود و با این کار کمک بزرگی به اسرائیل کرد. نظر حقوقی اریک دیوید در بیرون آوردن نام این سازمان از لیست تروریستی کشورهای اتحادیه‌ی اروپا حیاتی بوده است. شگفت‌انگیز نیست که هواداران مجاهدین و لابی تجزیه‌طلبان (برومند) از سخنگویان اصلی این تریبونال باشند.

<http://ncr-iran.org/en/images/stories/moghav/lo-ericdavid.pdf>

آقای پیام اخوان در جلسات پارلمان کانادا با ترسیم دولت ایران به عنوان دولتی اقتدارگرا، غیرمسئول و ایدئولوگ که با غرب سازش ندارد و آمریکا ستیز و اسرائیل ستیزاست صحبت خود را شروع کرد. او در حقیقت تمام فساد سیستم اقتصادی و سیاسی حاکم بر جهان به رهبری زرسالاران که لقب "رهبر جوان جهان" برای قدردانی از خدمات آقای اخوان به ایشان داده‌اند را به "ذات" رژیم ایران گره زد.

پیام اخوان، ایران را به دو شقه تقسیم کرد. شقه‌ی اول، ایران رادیکال با نقش‌آفرینی آقای محمود احمدی‌نژاد و حامیان او و شقه‌ی دوم ایرانی که با جنبش‌های گوناگون از جمله زنان (حتمن جنبش فعالانی نظیر خانم شادی صدر) به یک جامعه‌ی پویا که برای تقویت "جامعه‌ی مدنی" تلاش می‌کند را ترسیم کرد. او گفت:

"کانادا باید در نظر داشته باشد که این واقعیت، یک سیاست خارجی ظریف را می‌طلبد که از یک طرف رادیکال‌هایی که مقابل خواسته‌های اکثر مردم ایران ایستاده‌اند را ایزوله کند و هم‌زمان به قوی کردن جامعه‌ی مدنی کمک رساند تا در دراز مدت منافع جامعه بین‌المللی از لحاظ ثبات منطقه و خواسته‌ی مردم ایران تأمین شود."

منظور آقای پیام اخوان از "رادیکال‌ها" افرادی نظیر آقای محمود احمدی نژاد است که در انتخابات ۲۰۰۹ با بیش از ۶۱ درصد آراء برای بار دوم بر مسند ریاست جمهوری نشست. پیام اخوان، یکی از حامیان موج سبز که **شهروند کاناداست** علیه "کودتای انتخاباتی" با همکاری شیرین عبادی، نازنین افشین جم و هادی قائمی تظاهراتی در کشورهای مختلف غرب برپا کرد و به سخنرانی علیه دولت ایران پرداخت. ایشان، اما، برای اثبات "تغلب انتخاباتی" تاکنون سندی ارائه نداده است.

او یادآور شد که غرب تا به حال به حقوق بشر "توجه" لازم نکرده است، اما اکنون این فرصت مهیا شده است. سپس پیشنهادات خود مبنی بر "سیاست خلاق" در رابطه با ایران را بدین گونه شرح داد:

"معتقدم که ما هم‌زمان به تحریم‌های "هدفمند"، که اجزاء و افراد بخصوصی از رژیم را مد نظر می‌گیرد و در ضمن به جامعه‌ی مدنی ایران هم قدرت می‌دهد نگاه داشته باشیم."

پیام اخوان در مورد اعمال سیاست‌های ویژه چنین گفت: «دولت کانادا باید پرونده‌ی زهرا کاظمی را دنبال کند». او یادآوری کرد که نخست وزیر کانادا عالیجناب استیون هارپر که شهادت بی‌نظیری در این موارد دارد دستور دستگیری فرد درگیر در این پرونده را داد که هم از لحاظ پرنسپس بسیار مهم بود و هم سر و صدای زیادی در ایران کرد، اما تاکنون کسی دنبال این کار را نگرفته است. اخوان گفت: «بعضی از افراد معتقدند یکی از عللی که کانادا این جریان را دنبال نکرده است این است که دسترسی به اسناد و مدارک این پرونده را ندارد». او گفت معتقدم این بحث بهبود یافته است. اسناد بسیاری در خارج از کشور درباره‌ی این پرونده موجود هست و ادامه داد که «شهادت دکترهای دست‌اندر کار پرونده‌ی کاظمی که به کانادا پناهنده شده‌اند موجود هست».

<http://www.myspace.com/nazanimusic/photos/53946771%7B%22ImageId%22%3A53923381%7D>

در اینجا باید یادآوری کرد که عده‌ای از ایرانیان به دلایل مختلف (که ممکن است گرفتن ویزا و اجازه‌ی اقامت در غرب!) دست به هر کاری می‌زنند. بطور نمونه، عده‌ای از خبرنگاران "حقوق بشر" دروغ "ترانه‌ی موسوی" را در رسانه‌های غربی تبلیغ کردند. لطفن برای اطلاع بیشتر لینک زیر را کلیک کنید.

<http://www.qlineorientalist.com/IranRises/2010/03>

خانم نازنین افشین جم در مقابل سؤال یکی از حاضرین در جلسه که چرا مذاکره با ایران سودی ندارد می‌گوید:

"من دوست ندارم مانند اروپائیان با حقه‌ی مذاکرات بیشتر اما در حقیقت برای کسب "خشنودی" دولت ایران تلاش کنم."

خانم افشین جم که از زمان طفولیت به کانادا رفته و در آنجا بزرگ شده است، اکنون در کنار وزیر دفاع کانادا - که در قتل عام اخیر مردم لیبی از طریق ناتو شرکت داشت و بیش از ۵۰۰۰۰ نفر از مردم لیبی، از جمله خانواده‌ی قذافی را از صحنه‌ی روزگار محو کرد- قرار گرفته است و وقاحت را تا به آنجا می‌رساند که خود را به عنوان نماینده‌ی غیر رسمی مردم ایران معرفی می‌کند و به خود اجازه می‌دهد که در امور یک کشور مستقل با بیش از چند هزار سال تمدن دخالت کند و برای آن نقشه‌ی راه بکشد. خانم افشین جم سپس می‌گوید: «تنها راه حل این است که از مبارزات مردم ایران برای حقوق مدنی دفاع کنیم و از "جنش زنان" و "جوانان" بخواهیم برای ایرانی دموکراتیک دست به اعتراضات خیابانی بزنند. ما قبلاً شبیه این نوع انقلابات رنگی و مخملی را در اروپای شرقی، آفریقای جنوبی و آمریکای لاتین تجربه کرده ایم». (حتماً منظور ایشان هائیتی و ونزوئلا است که انجی‌اوهای این کشورها تحت حمایت مالی کانادا علیه رهبران این دو کشور فعالیت داشتند که غیرقانونی است. کانادا و آمریکا سعی کردند با کمک انجی‌اوهای مورد حمایت موسسه‌ی NED (که بنا بر برخی شواهد مهم همان سازمان سیاست، و کارهایی که سازمان سیا نمی‌تواند انجام دهد از طریق آن انجام می‌شود) "تغییر رژیم" صورت دهند و چاوز را از سمت خود ساقط کنند اما موفق نشدند.)

یادتان باشد این پیشنهادات در ملزج سال ۲۰۰۷ قبل از اعتراضات خیابانی انتخابات ۲۰۰۹ ارائه شد. این مساله به خودی خود چیزی را نشان نمی‌دهد. دلایل داخلی متعددی در بروز ناآرامی‌های سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) در ایران وجود داشت. اما نمی‌توان نقش خارجی عواملی که نمونه‌هایش در بالا ذکر شد در تشدید ناآرامی‌ها و خارج کردن آن از مسیر طبیعی خود (اعتراض به انتخابات به سمت تغییر رژیم) را نادیده گرفت.

خانم افشین جم مانند آقای پیام اخوان از تحریم‌های غیرانسانی علیه ملت ایران دفاع می‌کند. در ضمن پیشنهاد می‌دهد که روابط اقتصادی ایران – کانادا زیر نظر گرفته شود و سرمایه‌گذاری در ایران را متوقف کنند و در کلاندا محدود، تا اقتصاد ایران فلج شود و پروسه‌ی تغییر رژیم صورت گیرد. افکار خانم افشین جم به ایده‌های لابی اسرائیل مانند آقای استیون هارپر نزدیکی زیادی دارد.

"Then we should engage in track two diplomacy, providing funding for political dissidents, labour unions and human rights activists, and grants to different NGOs here in Canada, to work alongside with NGOs in Iran. It would be great to provide funding to those in Iran, but again, I add the side note that we need to be careful, because if they receive money from abroad, they could be deemed spies and be imprisoned. It has to be very, very carefully done. Also Canada should provide educational scholarships, fellowships, exchanges, and offers of workshops to Iranian people to come here to Canada. We should allow more refugees from Iran into the country, and we should orchestrate a team of observers with other UN members to investigate and inspect prisons and the treatment of prisoners in Iran."

این "فعال حقوق بشر" سپس به حاضرین حکم می‌کند "کانادا نباید در ایران سرمایه‌گذاری کند چون سقوط رژیم بسیار نزدیک است." ایشان در نظر نمی‌گیرند که شکم گرسنه و ویرانی اقتصادی دموکراسی به ارمغان نمی‌آورد، با این حال به خود اجازه می‌دهد برای یک کشور مستقل "نقشه‌ی راه" بکشد.

از طرف دیگر اروپین کوتلر وارد بحث می‌شود. او هم نظیر پیام اخوان و افشین جم عاشق تحریم‌های "هدفمند" علیه اقتصاد و برنامه‌ی هسته‌ای قانونی ایران است و می‌خواهد بداند پیام اخوان چه تحریم‌هایی را در نظر دارد. آقای کوتلر در پایان، موضوع دلخواه خود یعنی دروغ "تحریم رهبران ایران برای کشتن قوم یهود" را دوباره تکرار می‌کند.

<http://www.parl.gc.ca/HousePublications/Publication.aspx?DocId=2807197&Mode=1&Language=E&Se&Parl=39>

پیام اخوان برای شرح موانع بیشتر علیه اقتصاد ایران و برنامه‌ی هسته‌ای - که ایران جزو امضا کنندگان معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای است (ان پی تی) - می‌گوید: «در مورد تحریم‌های "هدفمند" علیه برنامه‌ی هسته‌ای، باید بگویم که هم اکنون فکرها روی منع سفر افراد دولتی و بستن حساب‌ها و اعتبارها متمرکز شده است.»

لازم به یادآوری است که اسرائیل از امضا کردن "ان پی تی" سر باز می‌زند و در حدود ۲۰۰ تا ۳۵۰ بمب اتمی دارد و به موسسات نظارتی بین‌المللی نیز اجازه نمی‌دهد از تأسیسات هسته‌ای این کشور بازدید کنند و آن را زیر نظر بگیرند. در ضمن اسرائیل ناقض اکثر قطع‌نامه‌های سازمان ملل است و قوانین بین‌المللی را به سخره گرفته است، اما حقوقدانان حاضر در تریبونال ایران که قصد دارند ایران را محکوم کنند، نه تنها در مقابل جنایت‌های اسرائیل و آمریکا علیه ایران ساکت نشسته‌اند بلکه از تخصص خود برای پیاده کردن اهداف امپراتوری در کشورهایی نظیر یوگسلاوی، سودان، رواندا و اکنون ایران کمک می‌گیرند.

آقای پیام اخوان در مورد شرایط مناسب برای محکومیت دست‌اندرکاران پرونده‌ی خانم کاظمی می‌گوید: همان طوری که همکارم آقای جارد جنسر (Jared Genser) توصیه کرد، می‌توانیم این بحث را در سازمان ملل تقویت کنیم و در شورای امنیت شروع کنیم به وصل کردن مساله‌ی هسته‌ای به وضع "حقوق بشر" ایران. در ضمن می‌توانیم آن‌ها را در امر تحریم‌های "هدفمند" بیشتر، ممنوعیت سفر و بستن حساب‌ها و دارایی‌ها تشویق کنیم و آن را شامل آن بخش از حکومت که مرتب جنایت علیه بشریت شده است نیز بکنیم.

"We can encourage the discussions in the United Nations, including my colleague Mr. Genser's recommendation that in the Security Council we begin to link the nuclear issue to the human rights

situation within Iran and encourage the extension of targeted sanctions, travel bans, and asset freezes to also include elements of the leadership implicated in crimes against humanity."

پیام اخوان پیش از این "نسل کشی در دافور" همراه با "نجات دارفور" - یک سازمان اسرائیلی - علیه البشیر رییس جمهور سودان به نفع اهداف غرب تبلیغ کرد. اخوان تعداد کشته شدگان به دست قوای البشیر را ۳۰۰۰۰۰ نفر تخمین زد

<http://www.youtube.com/watch?v=3IXsz74Md9U>

[youtube=http://www.youtube.com/watch?v=3IXsz74Md9U]

و دادگاه لاهه بر مبنای نسل کشی بر گه دستگیری البشیر را صادر کرد. این در حالی است که پروفیسور محمود ممدانی استاد دانشگاه کلمبیا با استفاده از آمار و ارقام دولت آمریکا و سازمان بهداشت تعداد کشته شدگان را به مراتب کمتر (حدود ۶۰۰۰۰) تخمین می‌زند

<http://www.youtube.com/watch?v=SfrblZ1gdDU>

[youtube=http://www.youtube.com/watch?v=SfrblZ1gdDU]

که از این تعداد مرگ ۸۰ درصد در اثر سیاست‌های غلط تقسیم زمین توسط امپراتوری انگلیس در اوایل قرن بیستم، تغییرات آب و هوا و تبدیل زمین‌های قابل کشت به کویر و در نتیجه قحطی بوده است نه نسل کشی (با انگیزه‌های قومیتی) که پیام اخوان و "نجات دارفور" تبلیغ می‌کردند. ۲۰ درصد بقیه هم شامل کشته شدگان از هر دو طرف بودند (شورش و ضد شورش) یعنی شامل نیروهای امنیتی دولتی و قوای شورشیان.

پخش افسانه‌ی "نسل کشی" توسط پیام اخوان، ابروین کوتلر و سازمان "نجات دارفور" برای محکومیت البشیر صورت گرفت. سودان یکی از هفت کشور مورد هدف آمریکا است که باید به نفع غرب و اسرائیل کنترل و تجزیه شود. چارلز جیکوبز از یهودیان صهیونیست بی‌ثباتی سودان را با کارزار "برده‌داری کودکان" شروع کرد که منجر به تجزیه‌ی جنوب این کشور شد. سودان جنوبی امروز با اسرائیل روابط دیپلماتیک دارد و تعداد زیادی از اسرائیلیان در جنوب سودان - نظیر شمال عراق - به "فعالیت‌های اقتصادی" مشغولند. آمریکا و اسرائیل اکنون با کمک "ستارگان سازمان سیا" و حقوق‌دانان خود برای تجزیه‌ی دافور فعالیت دارند.

بنابراین، این اولین بار نیست که آقای پیام اخوان برای فریب اذهان عمومی به وارونه نشان دادن حقایق دست می‌زند.

حالا همین افراد در نقاط مختلف دنیا سعی دارند با پروپاگاندا، جنگی دیگر علیه ایران راه اندازند تا تغییر رژیم صورت بدهند. آنها برای پیاده کردن چنین طرحی سالهاست برنامه‌ریزی می‌کنند و با شرکت در جلسات پارلمانی، کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های فوروم امنیتی هالیفاکس، که در نشست سال ۲۰۱۰ جنگ علیه ایران را امکان‌پذیر معرفی کردند، در کنار افرادی نظیر جان مک کین، ایهود براک، پیام اخوان، رامین جهاننگلو و لئون پائنا به تبادل نظر می‌نشینند.

<http://www.digitaljournal.com/article/299905>

فوروم هالیفاکس بخش کانادا برای امنیت "نظم جهان"، توسط دولت کانادا حمایت مالی می‌شود که در سال ۲۰۱۱ بیش از ۷.۵ میلیون دلار کمک مالی از دولت کانادا دریافت کرد.

<http://halifaxtheforum.org/2011-forum/speakers-2>

در جلسه‌ی نوامبر ۲۰۱۰ فوروم امنیتی هالیفاکس، افرادی نظیر کاندالیزا رایس، مک کین، ایهود براک و لیندزی گراهام از کنگره‌ی آمریکا شرکت داشتند. گراهام یکی از جمهوری‌خواهان جنگ طلب حامی اسرائیل است که به لایحه‌های کنگره که اغلب توسط لابی اسرائیل علیه ایران نیکته می‌شوند رأی مثبت داده است.

سازمان سیا با تأسیس "مرکز اسناد" و سپردن آن به پیام اخوان و خواهران برومند، رویا حکاکیان و شوهرش رامین احمدی پروسهی "سندسازی" را سرعت داد تا "خطر ایران علیه صلح جهان" با استفاده از اهریمن‌سازی ایران به نفع "نظم نوین" که "اسرائیل بزرگ" را هم در بر دارد پیاده شود. ملت ایران از خود می‌پرسد چرا پارلمان کانادا که روی "حقوق بشر" و "قوم‌کشی" در ایران این طور تأکید می‌کند، در مقابل از جنایت علیه بشریت کشورهایی مثل آمریکا یا اسرائیل با پرونده‌ی سیاهی که دارند شکایتی ندارد؟

<http://oped.ca/National-Post/payam-akhavan-torture-testimony-and-consequences>

ملت ایران بیش از این نمی‌تواند به افرادی نظیر ابروین کوتلر حامی سازمان تروریستی مجاهدین و همکاران او پیام اخوان دادستان ارشد تریبونال ایران و گرداننده‌ی "مرکز اسناد"، خواهران برومند و سخنگویان تریبونال با بهانه‌ی "حقوق بشر" در امر بی‌ثبات‌سازی ایران به امپراتوری کمک رسانند. این افراد حقوق بشر کشورهای محل زندگی خود و متحدان این دول نظیر اسرائیل، بحرین، عربستان سعودی، ترکیه (که بنا به برخی فهرست‌ها بالاترین رقم ژورنالیست‌های زندانی در دنیا را از آن خود کرده است) را رها کرده‌اند و با تبلیغات دروغ به ایران هراسی و اهریمن‌سازی برای بی‌ثباتی کشور دامن می‌زنند.

<http://cimethics.blogspot.com/2012/03/independence-of-journalists-threatened.html>

این در جایی است که آمریکا و ناتو، که کانادا و ترکیه عضو آن هستند، روزانه افراد بی‌گناه را به بهانه‌ی مبارزه با "القاعده" ترور می‌کنند اما پیام اخوان و سخنگویان این تریبونال همچنان ساکت‌اند. این افراد حتی ترور دانشمندان ایرانی توسط اسرائیل که کانادا از حامیان این کشور است و اخیراً وزیر دفاع آن، پیتر مک کی، گفت که امنیت اسرائیل را امنیت کانادا می‌داند که منجر به اعتراض عده‌ای از شهروندان کانادا مانند کیم پیترسون (Kim Petersen) سردبیر روزنامه اینترنتی دسیدنت‌ویس Dissidentvoice شد را هم به بوته‌ی فراموشی می‌سپارند.

<http://dissidentvoice.org/2012/06/on-threats-to-israel-and-canada>

آقای کیم پیترسون در تاریخ بیست و سوم ژوئن ۲۰۱۲ در مقاله‌ی خود علیه پیتر مک کی و سیاست صهیونیستی کانادا مبنی بر حمایت از اسرائیل تحت عنوان "درباره‌ی خطر علیه اسرائیل و کانادا" نوشت:

"کدام کشور خطر اصلی در خاورمیانه است؟ آیا لبنان به اسرائیل حمله می‌کند یا اسرائیل است که به لبنان حمله کرده است؟ آیا سوریه به اسرائیل حمله می‌کند یا اسرائیل به سوریه حمله می‌برد؟ آیا غزه به اسرائیل حمله می‌کند یا اسرائیل است که به غزه حمله کرده است؟ آیا عراق به اسرائیل حمله کرد یا اسرائیل بود که عراق را مورد حمله قرار داد؟ آیا ایران هرگز به اسرائیل حمله کرده است یا اسرائیل است که ایران را مورد حمله قرار داده است؟"

حقوقدانان کانادایی نظیر پیام اخوان و ابروین کوتلر با نادیده گرفتن این نکته از دولت کانادا می‌خواهند تحریم‌های بیشتر علیه ایران اعمال کند و از ورود رهبران ایران به کانادا جلوگیری به عمل آورد.

[aid=30885&http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va](http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=30885)

فراموش نکنیم کابینه‌ی آقای بیل کلینتون با استفاده از سیاست "مهار دو گانه" که توسط مدیر اجرایی آپیک (AIPAC)، مارتین ایندیک، علیه ایران و عراق طرح شده بود، تحریم‌های ضد انسانی با بهانه‌ی "سلاح‌های کشتار جمعی" صدام حسین که دروغی بیش نبود را به اجرا در آورد که منجر به مرگ بیش از ۶۵۰۰۰۰ نفر از مردم عراق شد. اکثر قربانیان تحریم‌ها کودکان پنج سال به پایین بودند. سپس وزیر خارجه‌ی کابینه‌ی آقای کلینتون، خانم مادالین آلبرایت، در مه ۱۹۹۶ طی مصاحبه‌ای در برنامه‌ی "۶۰ دقیقه" کانال سی‌بی‌اس در مقابل این سوال که آیا نابودی بیش از پانصد هزار نفر از مردم عراق بر اثر تحریم‌های غیرانسانی ارزش دارد؟ با بی‌اعتنایی پاسخ داد: بله، ارزش دارد. چرا حقوق‌دانان امپراتوری در مورد سلاح‌های کشتار جمعی اسرائیل و آمریکا که در غزه و ژاپن، عراق و بسیاری جاهای دیگر مورد استفاده قرار گرفت هیچ اعتراضی ندارند اما در مقابل برنامه هسته‌ای قانونی ایران جبهه گرفته‌اند و تحریم‌های مرگ‌آور پیشنهاد می‌دهند؟

پیام اخوان مانند مادالین آلبرایت از سیاست‌های غرب از جمله تحریم‌های غیر انسانی، که خود جنایت علیه بشریت است، بدون هیچ تأملی حمایت کرده و می‌کند و به همین سبب در تهیه‌ی بیانیه‌ی مغرضانه‌ی ۲۰۱۰ با تحریم‌های "هدفمند" با همکاری ابروین کوتلر و نازنین افشین جم شرکت داشت. او از تحریم‌های بیانیه‌ی پشتیبانی کرد و با امضاء خود آن را تأیید نمود.

بخشی از اپوزیسیون خارج نشین اصرار دارد پیام اخوان تحریم‌های تحمیلی علیه ملت ایران را محکوم کند. باید گفت: آیا از کسی که تحریم‌ها را پیشنهاد داده و با امضاء خود آن را تأیید کرده است و سپس در پارلمان کانادا از دست اندرکاران آن تشکر کرده است می‌توان انتظار داشت آن‌ها را محکوم کند؟ ما تاکنون چنین عملی را حتی از یک "دیوانه‌ی روانی" هم ندیده‌ایم!

نقد بیانیه توسط سازمان کانادایی‌های حامی عدل و صلح در خاورمیانه

در تاریخ نهم دسامبر ۲۰۰۸ نسخه‌ی اول بیانیه به نام:

“The Danger of a Genocidal and Nuclear Iran: A responsibility to Prevent Petition“

"خطر ایران قوم کش و هسته‌ای: پذیرش مسئولیت برای جلوگیری از خطر" منتشر شد که به امضاء نوکان‌های حامی اسرائیل، نظیر بیانیه ۲۰۱۰، رسید. محتوای این بیانیه بر مبنای پروپاگاندای دروغ تنظیم شده بود.

<http://www.normanfinkelstein.com/methodical-expose-of-lunatic-irwin-cotler>

سازمانی بنام "کاناداییان حامی عدل و صلح در خاور میانه" (CJPME) نقد این بیانیه را در شانزدهم فوریه ۲۰۰۹ منتشر کرد و آن را تحریک‌آمیز و غیر واقعی خواند.

http://en.wikipedia.org/wiki/Canadians_for_Justice_and_Peace_in_the_Middle_East

اما پیام اخوان و همدستانش همچنان به تبلیغات دروغ این بیانیه علیه ایران با کمک سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، کانادا، انگلیس و هلند ادامه می‌دهند. سازمان CJPME در مقدمه‌ی این نقد نوشت:

بیانیه‌ی "خطر ایران قوم کش و هسته‌ای: پذیرش مسئولیت برای جلوگیری از خطر" کارزاری است یک جانبه که برای اهریمن سازی و مزوری کردن ایران به نثر کشیده شده است. این بیانیه با تضعیف گفتمان، روش‌های رادیکال و غیر مسئولانه را تشویق می‌کند و با ساده‌نگری به پیچیدگی‌های ژئوپولیتیک، مسائل را مبهم ارائه می‌دهد تا از هر گونه بحث خرمندانه جلوگیری کند. این بیانیه بر مبنای منبع غیر موثق و مشکوک تکیه بر ترجمه‌های نادرست، مطالب عوام فریب و تحریف حقایق نوشته شده است. در نتیجه کسی نمی‌تواند آن را جدی یا غیر مغرضانه بداند.

[SaveMode=o&http://www.cjpme.org/DisplayDocument.aspx?DocumentID=322](http://www.cjpme.org/DisplayDocument.aspx?DocumentID=322)

این نقد، سپس با استفاده از مثال‌هایی از متن اصلی نکات آورده شده در مقدمه را به اثبات می‌رساند. برای نمونه این سازمان می‌نویسد: یکم، این بیانیه برای اثبات مطالب خود از منبع مشکوک استفاده می‌کند. دوم، برای اثبات دلایل ذکر شده از ترجمه‌های ناموثق کمک می‌گیرد. سپس ادامه می‌دهد:

معمولاً منبع اصلی به منابعی گفته می‌شوند که از شاهد یا مطالب اصلی استفاده کرده باشد. در نتیجه، متن پیاده شده باید شرح اتفاقات و بیان و اژه به و اژه نامه‌ها، مصاحبه‌ها و غیره باشد. آقای اروین کوتلر برای اثبات اتهام خود مبنی بر "قوم کشی یهودیان و نابودی اسرائیل" توسط رهبران ایران، از مطالب مقاله‌ای تحت عنوان "حماس اعلام قوم کشی می‌کند" که توسط دیوید لیتمن (David G. Littman) در مجله‌ی بی‌نهایت دست راستی "فرانت پیج" (FrontPage) منتشر شده بود کمک می‌گیرد. آقای کوتلر نقل قولی را که در این مقاله به رهبر ایران نسبت داده شده است از نقل قول شخص دیگری بنام پاتریک دونی (Patrick Deveny) (که در همین مجله دست راستی در زمانی دیگر چاپ شده بود) گرفته است که او هم این نقل قول را از روزنامه "دیلی تلگراف" تاریخ اول ژانویه ۲۰۰۰ بازگو کرده است و آن را برای محکوم کردن رهبران ایران بکار می‌گیرد. اروین کوتلر در حقیقت از کسی نقل قول می‌آورد که خود نقل قول را از کسی دیگر، که آن شخص هم از منبع نامشخص دیگری که در سال ۲۰۰۰ انتشار

یافته بود گرفته است. آقای کوتلر برای اثبات صحت مطالب خود مبنی بر قصد رهبران ایران برای "قوم کشی مردم یهود و نابودی اسرائیل" از منابع سازمان‌هایی که حامی اسرائیل‌اند و برای اسرائیل لابی‌گری می‌کنند نظیر مجمع ضد افترا (Anti Defamation League) و موسسه‌ی تحقیقاتی مدیای خاورمیانه "ممری" (MEMRI) که رسانه‌های عرب و پارسی را برای یافتن مطالب ضد اسرائیلی دنبال می‌کنند، به عنوان منابع اصلی ارائه می‌دهد. همین‌طور از مجله‌ی بی‌نهایت دست راستی "فرانت پیچ" برای این منظور کمک می‌گیرد.

منتقد این بیانیه می‌نویسد: آقای کوتلر بیست بار از ترجمه‌های ناموثق "ممری" برای اثبات نظر خود یاری گرفته است. دارنده‌ی موسسه‌ی ممری فردی است بنام ایگال کارمن (Yigal Carmon) که اسرائیلی است و ۲۲ سال در سرویس اطلاعاتی ارتش اسرائیل خدمت کرده است. ممری به دنبال مطالب تحریک‌کننده یا نفرت‌انگیز در جهان اسلام است که آن‌ها را ترجمه و برای تیره کردن چهره‌ی مسلمانان به طور گسترده در جهان پخش کند. آقای ایگال کارمن مسلماً بی‌طرف نیست. اما این رسانه مطالب تحریک‌کننده یا نفرت‌انگیزی که اسرائیلیان یا یهودیان علیه اعراب و مسلمانان می‌گویند را پوشش نمی‌دهد.

http://www.powerbase.info/index.php?title=Irwin_Cotler

نقد را دنبال می‌کنیم: این بیانیه انتقادات رهبران ایران از صهیونیسم را معادل حمله علیه اسرائیل معرفی می‌کند و آن را به حساب اهریمن‌سازی اسرائیل و یهودیان برای "قوم کشی یهود" می‌گذارد. شاید حقه‌ی آقای کوتلر و امضاکنندگان این بیانیه برای خوانندگان بی‌اطلاع از حساسیت‌های خاورمیانه موثر باشد، اما افراد با اطلاع می‌دانند که مساوی قرار دادن صهیونیسم - که یک ایدئولوژی است - با اسرائیل و قوم یهود مغالطه است.

پیام اخوان و امضاکنندگان چنین بیانیه‌هایی که پروسه‌ی اهریمن‌سازی و انزوای ایران را دنبال می‌کنند طبق استدلال خودشان، در راستای آماده کردن جو بین‌المللی برای "قوم کشی ایرانیان" حرکت می‌کنند که باید محکوم گردد.

در این‌جا باید یادآور شد که عده‌ای از امضاکنندگان این بیانیه مانند الی ویزل، مورتیمر زاکرمن، ابروین کوتلر، خوزه ماریا ازنار (نخست وزیر قبلی اسپانیا و راستگرا) عضو هیات مشورتی موسسه‌ی مدیای خاورمیانه "ممری" هستند.

<http://www.memri.org/assistingamerica/board-of-advisors-and-directors.html>

در پایان باید بگویم که ابروین کوتلر از حامیان گروه تروریستی مجاهدین است. کوتلر و دیگر امضاکنندگان این بیانیه مانند آلن دورشوویتز و الی ویزل (نوام چامسکی لقب شیاد را به القلب او اضافه کرده است)، همراه با رودی جولیانو و دیگران به نفع خارج کردن نام مجاهدین از لیست تروریستی فعالیت می‌کنند. باید به آقای پیام اخوان تبریک گفت.

<http://mondoweiss.net/2012/03/dershowitz-cotler-and-wiesel-line-up-behind-terrorism-linked-iranian-oppo-group.html>

با توجه به فیلتر بودن بامدادی در ایران، لطفا مطالب آنرا از طریق اشتراک در [خوراک](#) آن پی‌گیری کنید. استفاده از مطالب و عکس‌های منتشر شده در وبلاگ‌ها و فوتوبلاگ‌های من به شرط «نقل قول دقیق»، «ذکر ماخذ» و «ارجاع لینک به اصل پست» بلا مانع است.